

اعلامیه شماره (3)

(25 اپریل 2013)

رویزیونیستها واپورتونیستها و تسلیم طلبان آنقدریه مهلکه ادبار و رسوائی قرار گرفته اند که "راه نجات" شانرا از طریق اتهام زنی، جاسوسی و فحاشی جستجو می کنند!

چنانکه در اعلامیه شماره (2) نیز تذکر داده ام؛ بعد از آنکه نوشته های در نقد انواع رویزیونیسم واپورتونیسم و تسلیم طلبی طی چهار دهه اخیر از طرف من و بخشهای مختلف جنبش انقلابی پرولتری به نشر سپرده شدند و تا حدی چهره واقعی آنها یک بار دیگر بر ملا گردید؛ موجی از فحاشی، توطئه گری و اتهام زنی در سطح کوچه بازاری عمدتاً از جانب باند های رویزیونیست تسلیم طلب "ساما"، "رهائی"، "سازمان انقلابی..." و عنصری از "ساوو" علیه من و دیگر فعالین جنبش انقلابی پرولتری آغاز شد. چون این گروه های رویزیونیست واپورتونیست آنقدر در لژن و کثافات رویزیونیسم واپورتونیسم غرق هستند که حتی توان نوشتن یک سطر هم در دفاع از خود "به شیوه اصولی" نداشته اند. این چهره های رسوای رویزیونیست واپورتونیست ما نند گروه های ارتجاعی اسلامی در افغانستان و ایران و دیگر کشورهای اسلامی به حربه استفاده از لومپن ها و اوباش ها متوسل شده و دو عنصر لومپن فرومایه و پست فطرت جاسوس ما نند موسوی و "میرویس ودان محمودی" را من حیث سخنگوی شان برگزیده و آنچه از کثافات و گنبدیدگی در ضمیر و وجدان پلید شان داشتند و دارند به شیوه های نهایت ضد اخلاقی و ضد انسانی در چهارده بخش علیه خط انقلابی پرولتری "م-ل-م" و فعالین این جنبش بیرون داده اند. در تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی انواع اپورتونیسم و رویزیونیسم و تسلیم طلبی در دوره های مختلف ظهور کرده اند و من حیث دشمنان درونی و خطرناک علیه کمونیسم انقلابی عمل کرده و ضربات سهمگینی را بر این جنبش رهائی بخش پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان وارد کرده اند. اما طوریکه ملاحظه می شود؛ کمتر دیده شده که رویزیونیستها واپورتونیستها، لومپنها و اوباشهای کوچه بازاری را من حیث سخنگوی شان انتخاب کنند که فقط توطئه گری، جاسوسی و فحاشی نمایند. این شیوه ای برخورد زدیانه رویزیونیسم واپورتونیسم در تاریخ جنبش انقلابی پرولتری افغانستان، بعد از حملات اپورتونیستی "گروه پس منظر" علیه رفیق اکرم یاری و خط انقلابی وی کمتر دیده شده است. و ملاحظه می شود که تا این سطح برخورد لومپنانه و خصمانه و جاسوسی علیه جنبش انقلابی پرولتری، حد اقل تا ایندم تقریباً منحصر به همین گروه های رویزیونیستی واپورتونیستی متذکره فوق می باشد. شما توجه کنید که همین عنصر حقیر و فرومایه مانند "موم" آنقدر کودن و بی اراده و هرزه است که در بخش (11) اراجیفنامه هایش جاسوسی و افشای نام اصلی مرا "مسئولیت و وظیفه انقلابی" اش می داند که بردوش سنگینی می نماید؛ "لعنت بر این انقلابیگری!" و در بخش (14) این ورق پاره ها می نویسد که: ".... ترس در قاموس میرویس نیست و می خواهد ایستاده بمیرد". چه مرگ با وقاری!! شما تصور کنید که این بیچاره کودن در چه سطح شعوری و عقلی قرار دارد؟! حتی عامی ترین فرد در افغانستان جاسوسی را بدترین ننگ می شمارد؛ ولی این آقا آنرا ادای "مسئولیت" انقلابی" اش می داند. و به عبارت دیگر این عمل

جاسوسی آنقدر برایش به آرزوآمال "مقدس" تبدیل شده است که حتی حاضر است در این راه عمل "انتحاری" انجام بدهد! اینست ماهیت رویزیونسم و اپورتونسم و بیچارگی و درماندگی آن در افغانستان و جهان! از این حرفها بخوبی فهمیده می شود که "موم" از نظروضعیت روانی و اخلاقی در چه سطحی قرار دارد و به لحاظ "کرکتری" چقدر ورشکسته است. که طی چند ماه اخیر آنقدر تحت تلقین و "هیپنوتیسم" مربیان ماهرش قرار گرفته که فحاشی و توطئه گری و جاسوسی رامنحیث انجام "مسئولیت انقلابی" پذیرفته است! همچنین مشاهده می شود که مربیان آقای "موم" مانند ملاهای طالبان و حقانی و گلب الدین در رشته ای تحمیر و تحمیق و اغوای افراد عقب مانده ذهنی و آماده کردن آنها برای انجام عملیات مورد نظرشان (در این مورد یعنی فحاشی و توطئه گری و جاسوسی)، مهارت خاص دارند. با این تفاوت که طالبان و حقانی برای گوسفندانی که آماده می شوند حملات انتحاری را انجام بدهند، نوید و وعده "فردوس برین و حوربہشتی" می دهند و مربیان "موم" عمل جاسوسی و فحاشی و لومپنی را انجام "وظیفه انقلابی" توجیه می کنند! توجه کنید که قماشهای مختلف ارتجاع با تمام تفاوتهای شکلی و ادا و اطوار و خرامها و شعارهای مختلف آنها در ماهیت و خصلت چگونه یکسان عمل می کنند!

آقای "موم" من می دانم که توماند دیگر لومپنها "نترس" هستی و از انجام هرگونه خیانت و جنایت و عمل ضدانقلابی و ضداخلاقی و ضدانسانی هراسی نداری و "دلیرانه" هم آنرا انجام می دهی. و خاینانه علیه من جاسوسی کرده و نام خود را در دفترچه ضدانقلابیون جاسوس ثبت می کنی چنانکه مرشد توفحاشیها و جاسوسیهای موسوی را "مبارزه دلیرانه" نام گذاشته بود. اما تو (مرشد تو) و موسوی (مربی) توبدانید که چنان چهره و شخصیت حقیقی شمارا ترسیم کنم که خودتان هم حیران بمانید.

همه این رویزیونیستهای خاین و مرتد و جاسوس مشرب بدانند که در تحلیل نهائی اینها هستند که از جنبه های مختلف خساره خواهند کرد. و من در بحثهای آینده لاجرم آن بخش از جنایات و خیانتهای این رویزیونیستهای خاین و جاسوس را (بدون در نظر داشت هیچ گونه ملحوظی) افشا خواهم کرد. زیرا در گذشته برای اینکه دست آویز بیشتری بدست باندھای جنایتکار خلقی پرچمیها و گروه های ارتجاعی اسلامی و دیگر گروه های ارتجاعی ضد مردمی نیافتند؛ زیرا اینها روزی با جریان دموکراتیک نوین همراهی داشته اند و متأسفانه که در جامعه هنوز آنها را بنام "شعله ای" یاد می کنند و ارتجاع و امپریالیسم هر خیانت و جنایت این رویزیونیستها و اپورتونیستها و تسلیم طلبان را به حساب "شعله جاوید" می گذارند. من در نوشته های قبلی ام در بسیاری موارد درباره خیانتها و جنایات این رویزیونیستهای مرتد با "ایماء و اشاره" صحبت کرده ام که برخی از موضوعات بیشتر برای منسوبین جنبش انقلابی پرولتری قابل درک و فهم بوده اند و نیز بر اساس پرنسیپها و اخلاق پرولتری ام از افشای نام افراد خودداری کرده و فقط به نقد و افشای انحرافات ایدئولوژیک-سیاسی بنام تشکیل معین اکتفا نموده ام. ولی ملاحظه می شود که این باندهای رویزیونیست و جاسوس بشکل یک جریان واحد بگونه خصمانه علیه جنبش انقلابی پرولتری و فعالین آن عمل کرده و به اعمال خاینانه و ضدانقلابی و جاسوسی شان بطور لجام گسیخته ادامه می دهند؛ لذا باید چهره های آنها هر چه بیشتر با تفصیل و جزئیات برای نسل جدید از روشنفکران مترقی افشا شوند.

- زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائونیسم!

- مرگ برامپریالیسم و ارتجاع بین المللی!
- ننگ و نفرین بر رویونیستها و اپورتونیستهاى توطئه گر، جاسوس و خادم امپریالیسم و ارتجاع!
(پولاد)